



## کدام آیات مستقیم یا غیرمستقیم در شأن حضرت زهرا(س) نازل شده‌اند

مفسر قرآن با بیان اینکه وقتی ما به آیات قرآن مراجعه می‌کنیم با چند دسته آیه در شأن حضرت زهرا(س) روبرو هستیم، گفت:

مفسر قرآن با بیان اینکه وقتی ما به آیات قرآن مراجعه می‌کنیم با چند دسته آیه در شأن حضرت زهرا(س) روبرو هستیم، گفت: غیر از ليله القدر در سوره قدر و زجاجة در آیه نور و سوره کوثر، می‌توان به آیات زیادی اشاره کرد که درباره زنان مؤمنه است و آن حضرت مصداق بارز این زنان است.

ایام فاطمیه یادآور حزن و ماتم‌هایی است که بعد از وفات پیامبر اعظم(ص) برای یگانه دختر بزرگوار ایشان با تشکیل سقیفه و غصب ولایت ایجاد شد.

دختری که پیامبر(ص) در شأن او فرمود خشم و رضایت خدا در گرو خشم و رضایت فاطمه(س) است؛ شخصیت برجسته‌ای که بدون تردید مصداق بسیاری از آیات قرآن در توصیف مؤمنات و افراد صالح است و البته سوره‌ها و آیاتی هم مستقیم در شأن ایشان نازل شده است.

خبرنگار اینکنا برای بررسی تحلیلی و قرآنی آیات با محوریت حضرت زهرا(س) با حجت الاسلام والمسلمین عبدالکریم بهجت پور؛ مفسر قرآن و استاد حوزه علمیه گفت وگو کرده است که در ادامه می‌خوانیم؛

اینکنا - آیات و سوره‌هایی که مستقیماً در شأن حضرت فاطمه(س) نازل شده باشد در قرآن کریم وجود دارد یا عمدتاً تاویلی است؟

قرآن کریم در برخی آیات به صراحت در مورد افراد و اشخاص سخن گفته است یعنی یا نام آنان را برده یا اشاراتی دارد که مصداق بیرونی آن معطوف به برخی افراد خاص است؛ مثلاً در سوره کوثر که در سال دوم بعثت نازل شده است اشاره به تولد حضرت زهرا(س) دارد؛ بعد از وفات برادران حضرت زهرا(س) یا به تعبیری پسران پیامبر اکرم(ص) یعنی ابراهیم و قاسم، دشمنان شروع به طعنه و تمسخر کردند که پیامبر(ص) با از دست دادن فرزندانش، ابتر و مقطوع النسل شده است این سوره نازل شد که چند احتمال هم برای آن ارائه شده است.

یکی از احتمال‌ها که خیلی بر آن به قرینه آیه انتهایی همین سوره تاکید شده است این است که آیه در مورد حضرت زهرا(س) نازل شده است. این سوره جزء سوره‌های ابتدایی قرآن کریم به ترتیب نزول است و در شرایطی نازل شده است که دختران در بین قوم عرب جایگاهی نداشتند بلکه آنان را زنده به گور می‌کردند؛ در سوره تکویر که هفتمین سوره نازله بر وجود مقدس پیامبر(ص) است به زنده به گور کردن دختران اشاره شده است و خداوند با تعبیر «وَأِذَا الْمَوْءُودَةُ سُئِلَتْ بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ» به انتقاد شدید از کسانی می‌پردازد که دختران را زنده به گور می‌کردند.

نزول این سوره در این شرایط نشان می‌دهد که دختر نه تنها مایه ننگ نیست بلکه حضرت زهرا(س) خیر کثیر از سوی خدا معرفی می‌شود و نسل آن حضرت به گستردگی رشد کرده است تا جایی که فخرآزی که از علمای برجسته اهل سنت می‌گوید خیر کثیر، حضرت زهراست که شخصیت‌های بزرگی چون امام صادق(ع) و امام باقر(ع) و سایر ائمه(ع) در بین نسل و فرزندان ایشان هستند.

در سوره‌های مدنی مانند سوره آل عمران می‌بینیم که آیه مباهله مطرح شده است؛ مسیحیان نجران خدمت پیامبر(ص) رسیدند و گفت وگو کردند ولی با وجود پی بردن به حقانیت سخنان پیامبر(ص) به آن اعتراف نکردند و شاید هم خواستند بیشتر پیامبر(ص) را امتحان کنند. از این رو وقتی به نتیجه نرسیدند رو به مباهله آوردند؛ بنا شد که هر کدام از دو گروه ابناء و نساء و نفس‌شان را ببرند و پیامبر(ص) از بین زنان، فقط حضرت زهرا(س) را با خودشان به همراه بردند یعنی عصاره زنانی که پیامبر(ص) می‌تواند به وجاهت و حقانیت آنان در نزد خدا استناد کند حضرت زهرا(س) است و روایات شیعه و سنی این مطلب را نقل کرده‌اند.

سوره مبارکه دهر هم آیات بسیار زیبایی دارد که شأن نزول آن در روایات شیعه و سنی به این خانواده مبارک یعنی علی و فاطمه و فرزندانشان تعلق دارد؛ این خانواده آن هم نه یک روز بلکه سه روز متوالی و در حالی که روزه بودند طعامی را که برای افطار آماده کرده بودند به یتیم و مسکین و اسیر بخشیدند و خودشان سه روز را روزه گرفتند و این آیات در شأن ایشان نازل شد.

بنابراین گاهی قرآن کریم با صراحت به حضرت زهرا(س) اشاره دارند.

ایکنا - در مورد سوره دهر گاهی مطالبی مطرح می شود؛ مانند اینکه این سوره در مکه نازل شده است و در آن موقع اسیر وجود نداشت، دیدگاه حضرتعالی چیست؟

بله؛ برخی از دشمنان و مخالفان امیرمؤمنان(ع) برای کاستن از شان ایشان و خانواده شان می گویند سوره دهر در مکه نازل شده است و مدنی نیست لذا در شان این خانواده نیست ولی حاکم حسکانی از علمای اهل سنت در کتاب خودش تعدادی از راویان را آورده است که همه آن ها گفته اند سوره دهر قطعا در مدینه نازل شده است لذا اگر سبب نزول، حضرت زهرا(س) و خانواده ایشان است درست است یعنی اهل سنت منصف و عالم و محقق قبول دارند که این سوره قطعا در مدینه نازل شده است و سبب نزول آن هم این خانواده بزرگوار هستند.

باز در رجوع به قرآن یک سلسله از برداشت ها را می بینیم که نام آن را معانی باطنی یا جری و تطبیق می نامیم؛ مانند سوره مبارکه قدر؛ انا انزلناه فی لیلہ القدر. در روایتی باطنی و تطبیقی از امام صادق(ع) بیان شده است که فاطمه زهرا(س) حقیقت شب قدر است که قدر او دانسته نمی شود؛ بعد توضیح می دهد در این شخصیت ظرفیتی نهفته است که می تواند هزاران انسان را به حرکت درآورد و این ایشان شخصیتی دارد که از هزار ماه برتر است و اگر کسی حق معرفت فاطمه زهرا(س) را بشناسد درک لیلہ القدر کرده است یعنی شناخت عظمت و فایده لیلہ القدر مساوی درک حضرت زهرا(س) است. لیلہ القدر شبی است که در آن قرآن، نازل می شود و عدل قرآن هم عترت است و فاطمه زهرا(س) ظرف امامت و عترت است و این ظرف، بسیار بزرگ و با عظمت است که دست هر کسی به آن نمی رسد و فاطمه را فاطمه گویند چون همه مخلوقات از فهم او عاجز هستند.

ایکنا - در برخی تفاسیر آیه نور در سوره مبارکه نور هم به اهل بیت(ع) تاویل و تطبیق می شود؛ لطفا در این باره توضیحات بیشتری ارائه فرمایید؟

بله. ذیل آیه نور؛ اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مَثَلُ نُورِهِ كَمِشْكَاؤٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لَا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ نُورٌ عَلَى نُورٍ يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ وَاللَّهُ يَكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ، روایتی از امام صادق(ع) داریم که فرمودند مشکاتی که در این آیه بیان شده است علی(ع) است؛ فيها مصباح هم حسنین(ع) یعنی امام حسن(ع) و امام حسین(ع) هستند؛ المصباح فی زجاجه، مصباح که حسن و حسین هستند در زجاجه قرار دارند و این زجاجه مانند یک ستاره درخشان است یعنی حضرت زهرا(س) زجاجه یا همان کوكب دری بین نساء اهل الارض هستند؛ گویا ایشان ستاره درخشان در بین زنان اهل زمین هستند. بنابراین وقتی ما به آیات قرآن مراجعه می کنیم با این چند دسته آیه روبرو هستیم و عظمت ایشان را به ما منتقل می کند و در کنار آن می توان به آیات زیادی اشاره کرد که در مورد زنان مؤمنه است و آن حضرت مصداق بارز این زنان است. از جمله قرآن کریم از تعبیری چون من عمل صالح من ذکر او انثی استفاده کرده است یا از تعبیر مؤمنات قانتات، صالحات، صادقات، خاشعات، متصدقات و ... که ما با مطالعه این آیات می توانیم ترسیمی مناسب از شخصیتی به بزرگی حضرت زهرا(س) داشته باشیم. بنابراین سه دسته آیه داریم که یا مستقیما به آن حضرت اشاره کرده است یا آیاتی که تاویل آن به حضرت برگشت دارد یا عمومیتی دارد که آن حضرت مصداق بارز آیه محسوب می شود.

ایکنا - نام حضرت مریم(س) بیان شده است برخی می پرسند که چرا در مورد حضرت زهرا(س) این اتفاق نیفتاده است؟

در مورد نام اهل بیت(ع) قرآن اصولا این روش را دارد که نامی از ائمه نمی برد؛ برخی آیات قرآن برای بیان مطالب تاریخی که ذکر نام ضروری است به نام آنان اشاره دارد؛ مانند ملکه بلقیس و حضرت مریم و امراه ابولهب که آدرس دقیقی ارائه فرموده است زیرا بیان مطالب تاریخی دقیق است ولی در مورد افرادی که در زمان پیامبر(ص) چه در جنبه مثبت و منفی نقش برجسته داشتند اصل اولیه عدم نام بردن از اسامی ایشان بوده است.

این کار هم دو دلیل دارد؛ اول اینکه صفات آنان را بیان می کند که اشخاص تا پایان دنیا تکلیف خود را بدانند یعنی اگر کسی قصد دارد به این صفات دست یابد و در خود به وجود بیاورد با آن آشنا باشد و الگو داشته باشد؛ مثلا وقتی تعبیر خاشعات و صابرات و قانتات و ... را به کار برده یعنی زنانی مانند حضرت زهرا(س) وجود داشته اند که واجد این صفات در زندگی بوده اند؛ قرآن بنا نیست متن تاریخی مربوط به سیره پیامبر(ص) در زمان خود باشد مانند آنچه در تورات و انجیل شاهدیم.

کسانی که در زمان پیامبر(ص) نقش مهمی داشته اند با صفات از آنان یاد شده است تا مردم بتوانند خودشان را شامل دآوری قرآن قرار دهند لذا امام صادق(ع) فرمودند نزل القرآن بایاک عنی واسمعی یا جاره؛ من با تو سخن می گویم ای زن خانه ولی ای همسایه یا کنیز خانه تو بشنو یعنی قرآن کریم افراد بزرگ مثبت و منفی را با صفات یاد می کند تا دیگران از خوب ها تبعیت و از افراد بد دوری کنند و حکم هر دو گروه هم در دآوری نهایی مشمول حکم این افراد شود.

نکته دیگر اینکه در قرآن نام افراد مخصوصا افراد وابسته به پیامبر(ص) و اهل بیت(ع) اگر برده شده بود دشمنان فرصت می یافتند که با بهانه هایی قرآن را از مدار خارج کنند و گم شدگی که شامل تورات و انجیل شد برای قرآن هم پیش می آمد لذا قرآن کریم فرمود: انا نحن نزلنا الذکر؛ ما خودمان از قرآن حفاظت می کنیم و یکی از راه های جلوگیری از تحریف این متن همین است.

حتی به نظر حقیر برخی آیات مانند آیه تطهیر و آیات مربوط به غدیر در بین دسته آیات خاصی قرار گرفته اند و جای آنان عوض شده است و فلسفه آن حفظ این آیات بوده است که بنده نام آن را آیات استتاری می نامم یعنی خداوند این آیات را در مواضعی که حساسیت درست نشود استتار کرده است. صورت ظاهر آیه چیز دیگری است ولی قرینه و ضرورت حفظ نشانگر شانیت آیات در حق برخی افراد مانند اهل بیت(ع) است.